گزارش

رهبر معظم انقلاب در دومین پیام تلویزیونی خطاب به ملت در پی تهاجم رژیم صهیونی به ایران:

ملت ایران در مقابل جنگ و صلح تحمیلی محکم می‌ایستد و تسلیم نخواهد شد

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر چهارشنبه در پیامی تلویزیونی ضمن تمجید از رفتار متین، شجاعانه و وقت‌شناسانه ملت ایران در قضیه اخیر تهاجم ابلهانه و خباثت‌آمیز دشمن صهیونی، آن را نشانه رشد ملت و قوام عقلانیت و معنویت دانستند و تأکید کردند: ملت ایران در مقابل جنگ تحمیلی محکم می‌ایستد، همان‌گونه که در مقابل صلح تحمیلی نیز محکم خواهد ایستاد و این ملت در مقابل تحمیل، تسلیم هیچ‌کس نخواهد شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با اشاره به اظهارات تهدیدآمیز و سخیف رئیس‌جمهور آمریکا تصریح کردند: افراد با خردی که ایران و ملت و تاریخ ایران را می‌شناسند، هیچ‌گاه با زبان تهدید با این ملت سخن نمی‌گویند، زیرا ملت ایران تسلیم‌شدنی نیست و آمریکایی‌ها بدانند هرگونه ورود نظامی آمریکا بدون تردید با صدمه جبران‌ناپذیر برای آنها همراه خواهد بود.رهبر انقلاب در ابتدای سخنان خود با تمجید از حرکت عظیم ملت ایران در راهپیمایی روز غدیر و همچنین اجتماعات و راهپیمایی‌های روزهای اخیر به‌ویژه بعد از نماز جمعه، به حرکت زیبا و پرمعنای بانوی مجری تلویزیون در مقابل حمله دشمن اشاره کردند و گفتند: تکبیر گفتن و نشانه قدرت ملت را به همه دنیا ارائه‌کردن، حادثه‌ای تاریخی و بسیار باارزش بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به شرایط زمانی که تهاجم ابلهانه و خباثت‌آمیز رژیم صهیونیستی در آن روی داد، افزودند: این حادثه زمانی رخ داد که مسئولان ما سرگرم مذاکره غیرمستقیم با آمریکا بودند و هیچ نشانه‌ای از حرکت تند و نظامی و سخت از جانب ایران وجود نداشت. ایشان تأکید کردند: البته از ابتدا حدس زده می‌شد که آمریکا در این حرکت خباثت‌آمیز رژیم صهیونی دخالت داشته باشد که با اظهارات اخیر مقامات آمریکایی، این حدس روزبه‌روز تقویت می‌شود. رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه ملت ایران در مقابل جنگ تحمیلی و صلح تحمیلی و هرگونه تحمیلی محکم می‌ایستد، گفتند: من از صاحبان فکر و بیان و قلم به‌ویژه مرتبطان با افکار عمومی جهانیان انتظار دارم این معانی و مفاهیم را تبیین کنند و اجازه ندهند دشمن با تبلیغات فریب‌کارانه خود، حقیقت را دگرگون جلوه دهد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه دشمن صهیونی مرتکب اشتباه و جنایت بزرگی شده است، خاطرنشان کردند: دشمن صهیونی باید مجازات شود و در حال مجازات‌شدن است و مجازاتی که ملت ایران و نیروهای مسلح برای این دشمن خبیث انجام دادند و در حال انجام آن هستند و برای آینده نیز برنامه دارند، مجازات سختی است و او را دچار ضعف کرده است. ایشان تأکید کردند: همین که دوستان آمریکایی آنها وارد صحنه می‌شوند، نشانه ضعف و ناتوانی رژیم صهیونیستی است. رهبر انقلاب همچنین با اشاره به اظهارات تهدیدآمیز و سخیف رئیس‌جمهور آمریکا افزودند: رئیس‌جمهور آمریکا در اظهاراتی غیرقابل قبول، صریحا از ملت ایران می‌خواهد که تسلیم شوند، اما به آنها می‌گوییم اولا تهدید را برای کسانی انجام دهید که از تهدید می‌ترسند، درحالی‌که ملت ایران معتقد به این آیه شریفه است که «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و تهدید هیچ‌گاه در رفتار و اندیشه ملت ایران تأثیر نمی‌گذارد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: ثانیا گفتن این حرف به ملت ایران که بیایید تسلیم شوید، حرف عاقلانه‌ای نیست و افراد با خِردی که با ملت ایران و تاریخ آن آشنا هستند، هیچ‌گاه چنین حرفی را بر زبان جاری نمی‌کنند، زیرا ملت ایران تسلیم‌شدنی نیست و تسلیم تعرض هیچ‌کس نخواهد شد. ایشان خاطرنشان کردند: آمریکایی‌ها و کسانی که با سیاست‌های این منطقه آشنا هستند، می‌دانند که ورود آمریکا به این مسئله صددرصد به ضرر او خواهد بود و ضربه خواهد خورد. ضربه‌ای که صدمه آن به مراتب بیشتر از صدمه‌ای است که ایران خواهد خورد. رهبر انقلاب تصریح کردند: ورود نظامی آمریکا در این میدان بدون‌تردید موجب صدمه جبران‌ناپذیر برای آنها خواهد شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن توصیه مجدد به ملت عزیز ایران برای مدنظر داشتن آیه شریفه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» خاطرنشان کردند: زندگی را با قوت ادامه دهید، به‌ویژه کسانی که امور خدماتی برعهده آنها است و با مردم سروکار دارند و کسانی که امور تبلیغی و تبیینی را برعهده دارند، کارهای خود را با قوت ادامه دهند و به خدای متعال توکل کنند که «وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ». ایشان در پایان تأکید کردند: خدای متعال ملت ایران و حقیقت و حق را به طور قطع و یقین پیروز خواهد کرد.

راهپیمایی جمعه خشم و نصر در سراسر کشور برگزار شد

در واکنش به تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی، مردم ایران روز جمعه صحنه‌ای بی‌نظیر از اتحاد، بصیرت و ایستادگی را رقم زدند. راهپیمایی سراسری تحت عنوان «جمعه خشم و نصر» در سراسر کشور، از پایتخت تا دورترین روستاها، با حضوری گسترده و پرشور برگزار شد. در تهران، صحن دانشگاه تهران مملو از نمازگزارانی بود که با وجود تهدیدهای مستمر منافقان و سران آمریکا و اسرائیل، با عزم راسخ در نماز جمعه شرکت کردند و پس از آن در راهپیمایی عظیم حضور یافتند. ظرفیت صفوف نماز جمعه به قدری پر شده بود که بسیاری از شرکت‌کنندگان در خیابان‌های اطراف و روی زمین نشسته بودند. متروی تهران نیز به یکی از نشانه‌های شور عمومی تبدیل شده بود؛ پر از جمعیتی که با اراده برای شرکت در این حضور سراسری، حرکت می‌کردند. همراهی مردم از نسل‌های مختلف، از دهه‌نودی‌ها تا جانبازان سال‌های دفاع مقدس، جلوه‌ای از پیوند نسل‌ها در دفاع از هویت ملی بود. پرچم‌های ایران، مقاومت لبنان و فلسطین در دستان راهپیمایان، در کنار تصاویر رهبر انقلاب، فضای نمادینی از ایستادگی در برابر فشارهای خارجی خلق کرد. در برخی نقاط، پرچم‌های آمریکا و اسرائیل زیر پای مردم قرار گرفت؛ حرکتی نمادین در اعتراض به سیاست‌های سلطه‌طلبانه. پیام جمعه خشم و نصر تنها پاسخی به حملات نظامی نبود؛ این حضور میلیونی، بیانیه‌ای زنده بود خطاب به جهانیان؛ ملت ایران نه‌تنها مرعوب تهدیدات نمی‌شود، بلکه از دل خطر، با صدای بلندتری فریاد وحدت و مقاومت سر می‌دهد. به گزارش ایسنا؛ راهپیمایان به خبرنگاران حاضر گفتند: «ما ملتی ریشه‌دار هستیم، مشکلات داخلی‌مان را خودمان حل می‌کنیم. اسرائیل حمله کرد تا مردم را به خیابان‌ها بکشاند، اما آنها برای نابودی اسرائیل آمدند، نه سقوط دولت». این راهپیمایی نمادی آشکار از روحیه مقاومت و وفاداری ملی بود؛ پیامی که با صدای بلند از دل جمعه‌ای پرشور به گوش جهانیان رسید.

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH

نخستین دور گفت‌وگوهای تروئیکای اروپایی با وزیر امور خارجه ایران با رویکردی جدی برگزار شد

گفت‌وگو زیر سایه جنگ

وحیده کریمی: در روزگار پرمخاطره‌ای که منطق زور، گفت‌وگو را تهدید می‌کند، حفظ هم‌زمان دو سنگر «میدان» و «دیپلماسی» بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. در چنین وضعیتی، قدرت نظامی به‌عنوان پشتوانه‌ای برای اقتدار سیاسی مطرح می‌شود؛ اما آنچه می‌تواند بحران‌ها را مهار و منافع ملی را تثبیت کند، بهره‌گیری هوشمندانه و متوازن از دیپلماسی در کنار آن است. حضور هیئت ایرانی در ژنو، درست در میانه میدان نبرد ایران و اسرائیل، نمادی روشن از این نگاه راهبردی است. ایران با تکیه بر منطق بازدارندگی و دفاع مشروع، هم‌زمان در عرصه تعامل دیپلماتیک نیز فعال است؛ نه از موضع ضعف، بلکه برای رساندن پیام روشن ایستادگی، حفظ حق حاکمیت و تأمین منافع بلندمدت کشور. ژنو، در این معنا، نه صرفا یک محل مذاکره، بلکه جلوه‌ای از سیاست‌ورزی مقتدرانه‌ای است که هرچند جنگ را پایان محتمل نمی‌داند، اما گفت‌وگو را گامی برای مدیریت و مهار بحران تعریف می‌کند؛ اگرچه بعد از بیش از یک ساعت و نیم نشست میان ایران و طرف‌های اروپایی، این نشست از سوی عراقچی متوقف شد و ایرنا دراین‌باره نوشت: «نخستین دور گفت‌وگوها با رویکردی محترمانه و جدی برگزار شد که دربرگیرنده «دیدگاه‌های همه طرف‌ها بود. اعلام تنفس برای مشورت داخلی طرف‌های اروپایی و هیئت ایرانی انجام شد تا بعد از تنفس، دور دوم ادامه پیدا کند». البته عراقچی در گفت‌وگویی پیش از عزیمت به ژنو تأکید کرد: «آمریکایی‌ها چند نوبت پیام‌هایی برای مذاکره فرستاده‌اند، اما با کشوری که شریک جنایات جاری است، هیچ سخنی نداریم. زبان بی‌زبانی آنان یعنی دعوت به مذاکره، درحالی‌که هنوز تهاجمات ادامه دارد، پذیرفتنی نیست. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی حاضر به گفت‌وگو با هیچ‌کس نیست». او همچنین گفت: «مصمم به دفاع از حاکمیت خود هستیم. اسرائیل بدون هیچ دلیلی و با نقض تمام قوانین بین‌المللی، به تجاوز علیه ایران دست زد. ما مصمم به دفاع از حاکمیت خود هستیم. اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ما حمله کرد، درحالی‌که آنها تحت نظارت بین‌المللی هستند».

در همین حال، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، با تکرار اتهامات همیشگی غرب مبنی بر تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، خواستار تداوم نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر برنامه هسته‌ای ایران شد. وی، بدون اشاره به اقدامات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی علیه ایران، صرفا بر لزوم «آتش‌بس» و منع هدف‌گیری زیرساخت‌های غیرنظامی تأکید کرد. تحلیلگران معتقدند تلاش اخیر اروپا برای بازگشایی باب مذاکرات را باید در چارچوب تغییر موازنه قدرت در منطقه تفسیر کرد. پاسخ نظامی ایران به تجاوزهای اخیر، با دقت، قاطعیت و گستردگی فراتر از انتظار همراه بوده و عملا غرب را با ضرورت بازتنظیم رویکردهایش مواجه کرده است. این تحولات نشان می‌دهد ابزار دیپلماسی در ایران نه از سر ضعف، بلکه با پشتوانه قدرتی بازدارنده به کار گرفته می‌شود. در این میان، ایران با بهره‌گیری هم‌زمان از میدان و دیپلماسی، الگویی از «تقسیم کار راهبردی» را در پیش گرفته است. نه‌تنها نیروهای مسلح در صحنه حضور دارند، بلکه دستگاه دیپلماسی نیز فعالانه در حال گفت‌وگو و انتقال پیام‌های سیاسی است. این هم‌افزایی، بیانگر بلوغ سیاست‌ورزی در فضایی چندلایه و پرتنش است. در این چارچوب، نه میدان به تنهایی پاسخ‌گو است و نه دیپلماسی بدون پشتوانه قدرت معنا دارد. آنچه اهمیت دارد، چگونگی سازماندهی این دو ابزار در چارچوبی منسجم، متوازن و هدف‌محور است؛ همان مسیری که به نظر می‌رسد ایران امروز در حال پیمودن آن است.

بازخوانی رفتار ایران در مواجهه با بحران اخیر

در شرایطی که تنش نظامی میان ایران و رژیم اسرائیل وارد مرحله‌ای بی‌سابقه شده است، تحلیل نوع مواجهه ایران با این بحران، بدون فهم نقش مکمل و هم‌افزای دیپلماسی و قدرت نظامی، تحلیلی ناقص خواهد بود. برخلاف دوگانه‌سازی‌های رایج میان «میدان» و «دیپلماسی»، شواهد موجود نشان می‌دهد که تصمیم‌گیرندگان ایرانی هر دو ابزار را در خدمت یک هدف مشخص به کار گرفته‌اند: دفاع از منافع حیاتی کشور و تثبیت موقعیت راهبردی ایران در منطقه.

دیپلماسی، نقطه فرود بحران‌ها

واقعیت بنیادین در روابط بین‌الملل این است که هیچ بحران نظامی‌ای به‌طور نامحدود ادامه نمی‌یابد. دیر یا زود، منازعات به ایستگاهی به نام گفت‌وگو ختم می‌شوند. ایران نیز بر همین مبنا، ضمن تداوم پاسخ نظامی به حملات و تهدیدات، مسیر دیپلماسی را نبسته است. حضور هم‌زمان قدرت بازدارنده نظامی و آمادگی برای گفت‌وگو، نه یک تناقض، بلکه یک ضرورت در معماری سیاست خارجی در محیط امنیتی پرتنش کنونی است.

دعوت به گفت‌وگو؛ بازگشت اروپا به مسیر تعامل؟

در همین چارچوب، باید نشست روز گذشته در ژنو را ارزیابی کرد؛ دیداری که به درخواست تروئیکای اروپایی تنظیم شده و قرار شد در آن وزرای خارجه انگلیس، فرانسه، آلمان و نماینده اتحادیه اروپا با هیئت ایرانی به بحث و رایزنی بپردازند. آنچه اهمیت دارد، نه صرفا برگزاری این نشست، بلکه زمینه‌های سیاسی آن است؛ یعنی تغییر موازنه قوا، افزایش مخاطرات برای طرف‌های غربی و شکل‌گیری درکی واقع‌بینانه‌تر از گزینه‌های روی میز ایران.

در عین حال، تأکید مقامات ایرانی بر رد هرگونه آتش‌بس تحمیلی یا توافق از موضع ضعف، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد دیپلماسی را نه به‌مثابه ابزار تخفیف بحران، بلکه به‌عنوان ادامه سیاست بازدارندگی در سطحی متفاوت پیگیری کند.

پیامدهای موشکی برای ناتو و آمریکا

تحلیل‌های منتشرشده درباره نوع موشک‌های شلیک‌شده از سوی ایران -که برخی از آنها از نظر بُرد و خط پرواز شباهت‌هایی با موشک‌های قاره‌پیمای روسی دارند- صرف نظر از درستی فنی این مقایسه‌ها، بیانگر یک نکته مهم است و آن اینکه بازیگران غربی دیگر نمی‌توانند دامنه تهدید را صرفا به مرزهای منطقه‌ای محدود کنند. پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه و حتی برخی مراکز فرماندهی در اروپا، اکنون در دایره محاسبات ایران جای گرفته‌اند. این تحول نه برای استفاده نظامی مستقیم، بلکه برای افزایش ضریب بازدارندگی ایران طراحی شده است. در چنین شرایطی، بازگشت به مسیر دیپلماسی برای اروپا و آمریکا نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت است.

«شرق» از اهمیت و ابعاد نظامی، امنیتی و سیاسی عملیات وعده صادق ۳ ایران علیه رژیم صهیونیستی گزارش می‌دهد

تحول در توازن

شرق: عملیات وعده صادق ۳ که از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (۱۳ ژوئن ۲۰۲۵) با حملات موشکی و پهپادی بی‌سابقه ایران علیه رژیم صهیونیستی آغاز شد، نقطه عطفی در تاریخ تقابل ایران و اسرائیل به شمار می‌رود. این عملیات، در پاسخ به تجاوزات رژیم صهیونیستی به خاک ایران، ازجمله حملات هوایی ۲۳ خرداد که منجر به شهادت فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان هسته‌ای و غیرنظامیان شد، اجرا شد. عملیات وعده صادق ۳ با ۱۷ مرحله حمله موشکی، نه‌تنها قدرت نظامی ایران را به نمایش گذاشت، بلکه نشان‌دهنده تغییر قواعد بازی در منطقه و تثبیت بازدارندگی فعال ایران در برابر تهدیدات صهیونیستی بود.

توان موشکی و پهپادی ایران و نمایش قدرت بازدارنده

عملیات وعده صادق ۳ با شلیک بیش از ۳۷۰ موشک بالستیک، هایپرسونیک و پهپادهای پیشرفته به اهدافی در تل‌آویو، حیفا، رمت‌گان و دیگر مناطق استراتژیک رژیم صهیونیستی، توانایی ایران در اجرای حملات ترکیبی و نقطه‌زن را به رخ کشید. براساس اطلاعیه‌های سپاه پاسداران، موشک‌هایی نظیر خیبرشکن، فتاح و پهپادهای آرش ۱ و ۲ با برد بیش از دو هزار کیلومتر و سر جنگی ضداستحکامات، نقش کلیدی در این عملیات ایفا کردند. این تسلیحات، با عبور از لایه‌های پدافندی پیشرفته رژیم صهیونیستی، ازجمله گنبد آهنین، فلاخن داود و پیکان، به اهدافی نظیر پایگاه‌های هوایی نواتیم و نوادا، کارخانه رافائل (سازنده گنبد آهنین) و مراکز اطلاعاتی و فرماندهی در تل‌آویو اصابت کردند. سردار احمد وحیدی، در تشریح اهداف عملیات، اظهار کرد پایگاه‌های نواتیم و نوادا، مبدأ حملات صهیونیستی به ایران بودند و هدف‌گیری آنها پیامی روشن به دشمن مبنی بر پاسخ‌گویی متقابل بود. همچنین، حملات به پالایشگاه حیفا و بندر این شهر، قلب سوخت‌رسانی رژیم صهیونیستی، خسارات سنگینی به زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی وارد کرد. گزارش‌های رسانه‌های صهیونیستی، ازجمله شبکه ۱۲ اسرائیل، تأیید می‌کنند که این حملات منجر به تخریب حداقل ۶۱ ساختمان در بت‌یام و تل‌آویو، آتش‌سوزی‌های گسترده و اختلال در سیستم برق شد.

استفاده از روش‌های نوین، نظیر جنگ الکترونیک و مختل‌سازی سامانه‌های فرماندهی و کنترل دشمن، از ابتکارات برجسته این عملیات بود. اطلاعیه شماره ۶ سپاه پاسداران اعلام کرد سامانه‌های پدافندی رژیم صهیونیستی به دلیل اختلال ناشی از حملات سایبری و الکترونیکی، حتی یکدیگر را هدف قرار دادند. این امر نشان‌دهنده برتری اطلاعاتی ایران در برابر سامانه‌های پیشرفته غربی است. تحلیلگران نظامی معتقدند هماهنگی میان یگان‌های موشکی، پهپادی و سایبری سپاه و ارتش، ایران را به فاز جدیدی از بازدارندگی فعال سوق داده است. نکته درخور توجه، عدم استفاده ایران از جدیدترین تسلیحات خود در این عملیات است که به گفته منابع ایرانی، نشان‌دهنده عمق توان نظامی و حفظ برگ‌های برنده برای سناریوهای احتمالی آینده است. این رویکرد، رژیم صهیونیستی را در حالت ابهام راهبردی نگه داشته و توانایی آن برای پیش‌بینی پاسخ‌های بعدی ایران را کاهش داده است.

کارآمدی پدافند هوایی ایران: سپر دفاعی در برابر تجاوزات

در کنار عملیات آفندی، سامانه‌های پدافند هوایی ایران نقشی کلیدی در خنثی‌سازی حملات رژیم صهیونیستی ایفا کردند. حملات هوایی اسرائیل در ۲۳ خرداد که تأسیسات هسته‌ای نطنز و پایگاه‌های نظامی در تهران، خوزستان و ایلام را هدف قرار داد، با واکنش مؤثر پدافند هوایی ایران مواجه شد. براساس گزارش‌ها، پدافند هوایی ایران موفق به رهگیری سه موشک کروز، ۱۰ پهپاد و ده‌ها ریزپرنده صهیونیستی شد. همچنین، انهدام سه جنگنده اف-۳۵ اسرائیلی توسط سامانه‌های پدافندی ایران، برای نخستین بار در یک جنگ واقعی، نقطه عطفی در تاریخ نظامی جهان بود. بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی، تأکید کرد که پیش از حملات صهیونیستی، تجهیزات حساس تأسیسات فردو به مکان‌های امن منتقل شده بود، که نشان‌دهنده پیش‌بینی و آمادگی ایران برای چنین سناریوهایی است. این تدابیر، همراه با استقرار سامانه‌های پدافندی پیشرفته نظیر باور-۳۷۳ و سامانه‌های بومی دیگر، خسارات حملات اسرائیل را به حداقل رساند. برخلاف ادعاهای مقامات آمریکایی مبنی بر انهدام زیرساخت‌های تولید موشک ایران، مقامات ایرانی تأکید دارند که تولید موشکی کشور بدون وقفه ادامه دارد. علاوه بر پدافند سخت، ایران با بهره‌گیری از شبکه‌های اطلاعاتی داخلی، موفق به شناسایی و خنثی‌سازی عملیات ریزپرنده‌های صهیونیستی شد که از طریق وانت‌ها و کامیون‌های نفوذی در خاک ایران فعال بودند. همکاری مردم و نهادهای اطلاعاتی در کشف این شبکه‌ها، توانایی رژیم صهیونیستی برای عملیات مخفی در داخل ایران را به‌شدت محدود کرد. این دستاوردها نشان‌دهنده انسجام داخلی و هوشیاری ایران در برابر تهدیدات ترکیبی است.

تأثیرات راهبردی بر رژیم صهیونیستی

عملیات وعده صادق ۳ نه‌تنها خسارات مادی و انسانی بی‌سابقه‌ای به رژیم صهیونیستی وارد کرد، بلکه پایه‌های روانی و سیاسی این رژیم را نیز به لرزه درآورد. اعترافات مقامات و رسانه‌های صهیونیستی به حجم خسارات، ازجمله کشته‌شدن حداقل ۲۴ نفر و زخمی‌شدن بیش از ۶۲۰ نفر، نشان‌دهنده ناتوانی رژیم در مدیریت بحران است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، حملات ایران را «غم‌انگیز» توصیف کرد و از متحدانش خواست برای مقابله با ایران وارد عمل شوند، اما عدم حمایت قاطع آمریکا و کشورهای غربی، انزوای تل‌آویو را تشدید کرد.

از نظر راهبردی، رژیم صهیونیستی فاقد عمق استراتژیک و تاب‌آوری لازم برای یک جنگ فرسایشی با ایران است. ارتش این رژیم که پس از دو سال درگیری در غزه و لبنان فرسوده شده، توانایی مقابله با حملات مستمر ایران را ندارد. به گفته تحلیلگران، ساکنان اراضی اشغالی از نظر روانی برای یک جنگ گسترده آماده نیستند و این عملیات، با ایجاد رعب و وحشت در تل‌آویو و حیفا، شکاف‌های اجتماعی و سیاسی در رژیم صهیونیستی را عمیق‌تر کرد.

پیام عملیات وعده صادق ۳ به حامیان رژیم صهیونیستی، به‌ویژه آمریکا، انگلیس و برخی کشورهای عربی منطقه روشن بود: هرگونه حمایت از تجاوزات صهیونیستی با پاسخ قاطع ایران مواجه خواهد شد. ایران به‌طور صریح به این کشورها هشدار داد که نقض منافع و امنیت ملی‌اش تبعات سنگینی خواهد داشت. این موضع، همراه با حمایت گروه‌های مقاومت منطقه‌ای نظیر انصارالله یمن و کتائب حزب‌الله عراق از عملیات ایران، نشان‌دهنده تقویت محور مقاومت و کاهش نفوذ آمریکا و اسرائیل در منطقه است.

از منظر بین‌المللی، عملیات وعده صادق ۳ جایگاه ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای را تثبیت کرد. محکومیت حملات اسرائیل توسط شورای همکاری خلیج فارس و عربستان سعودی و حمایت علمای شیعه و سنی منطقه از پاسخ ایران، نشان‌دهنده تغییر توازن قدرت در منطقه به نفع ایران است. این عملیات همچنین رژیم صهیونیستی را در برابر یک معضل راهبردی قرار داد؛ ادامه تجاوزات به ایران هزینه‌های غیرقابل تحملی خواهد داشت، درحالی‌که عقب‌نشینی، به معنای پذیرش شکست و تضعیف هژمونی منطقه‌ای آن است.

ایران، قدرت صلح و بازدارندگی

عملیات وعده صادق ۳، با نمایش توان موشکی و پهپادی ایران، کارآمدی پدافند هوایی و تأثیرات راهبردی بر رژیم صهیونیستی، نشان داد که ایران نه‌تنها قادر به دفاع از خود در برابر تجاوزات است، بلکه می‌تواند قواعد بازی منطقه‌ای را تغییر دهد. این عملیات، با تکیه بر وحدت ملی و انسجام نیروهای مسلح، پیامی قاطع به دشمنان ایران ارسال کرد: هرگونه ماجراجویی علیه ایران با پاسخ‌هایی کوبنده‌تر و دقیق‌تر مواجه خواهد شد. ایران، به‌عنوان یک قدرت صلح‌طلب، از طریق بازدارندگی فعال، نه‌تنها از منافع ملی خود دفاع می‌کند، بلکه به حمایت از ملت‌های مظلوم منطقه، به‌ویژه فلسطین ادامه می‌دهد. با توجه به احتمال تداوم درگیری‌ها، ایران باید با حفظ آمادگی نظامی، حفاظت از تأسیسات حساس و شخصیت‌های کلیدی و تقویت همکاری با محور مقاومت، جایگاه خود را بیش از پیش تثبیت کند. عملیات وعده صادق ۳، نه‌تنها یک پیروزی نظامی، بلکه گامی بلند در مسیر تحقق استقلال و عزت ایران اسلامی بود.

ادامه از صفحه اول

ریاکاری هسته‌ای و جنگ همه علیه همه

...این اقدام، سابقه‌ای خطرناک ایجاد می‌کند که تأسیسات تحت نظارت را به اهداف نظامی تبدیل می‌کند و دهه‌ها اعتماد، دیپلماسی و نظارت را تضعیف می‌کند.

تهدیدهای آمریکا و بحران اعتبار نهادها

بحران با تهدید آشکار رئیس‌جمهور آمریکا به حملات بیشتر علیه تأسیسات هسته‌ای ایران ابعاد جدیدی یافت. این تهدیدها نه‌تنها تحریک‌آمیز، بلکه طبق حقوق بین‌الملل غیرقانونی‌اند. با این حال، آژانس سکوت پیشه کرده و شورای امنیت نیز از انجام مسئولیت خود سر باز زده است. این الگوی اجرای گزینشی قانون، اعتبار هر دو نهاد را نابود می‌کند. زمانی که قدرت‌های بزرگ بدون پیامد، از چارچوب‌های حقوقی عدول می‌کنند و دیگران را به‌شدت مؤاخذه می‌کنند، نظم حقوقی بین‌المللی به سیستمی از تبعیض ساختاری و بی‌عدالتی بدل می‌شود.

بنیان‌های حقوقی روشن‌اند

معاهده ان‌پی‌تی که از سال ۱۹۷۰ لازم‌الاجراست، بر سه ستون استوار است: عدم اشاعه، خلع سلاح و حق مسلم تمام امضاکنندگان برای بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای. ایران، به‌عنوان یک کشور غیرهسته‌ای، در چارچوب این معاهده باقی مانده و برنامه هسته‌ای خود را تحت نظارت مستمر آژانس قرار داده است. آژانس نیز بر پایه ماده ۳ اساسنامه خود، صرفا موظف به راستی‌آزمایی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است، نه تسهیل فشار سیاسی یا مشروع‌سازی اقدامات نظامی. استفاده از اطلاعات تحت پادمان برای توجیه تهدید یا حمله، فاقد مبنای قانونی و اخلاقی است. همچنین، ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل کاملا صریح است: تهدید یا استفاده از زور ممنوع است. زمانی که یک قدرت هسته‌ای، یک عضو غیرهسته‌ای ان‌پی‌تی را که تحت بازرسی است، تهدید می‌کند، مسئله تنها منطقه‌ای نیست؛ بلکه تهدیدی است علیه نظم جهانی.

سکوت، بی‌طرفی نیست

مدیر کل آژانس، آقای گروسی، مسئولیتی اجتناب‌ناپذیر دارد تا از تمامیت رژیم پادمان‌ها دفاع کند. این صرفا یک انتخاب دیپلماتیک نیست. این وظیفه قانونی است که در برابر آن باید پاسخ‌گو باشد. هنگامی که تأسیسات تحت بازرسی مورد حمله یا تهدید قرار می‌گیرند، اعتبار آژانس مستقیما در معرض خطر است. در چنین شرایطی، سکوت به معنای بی‌طرفی نیست، بلکه به معنای همدستی است. نمی‌توان هم‌زمان خواستار گفت‌وگو شد و چشمان خود را بر نظامی‌گری بست. این رفتار، مأموریت آژانس و امنیت کشورهایی را که به آن تکیه دارند، تضعیف می‌کند.

شورای امنیت باید وظیفه‌اش را انجام دهد

شورای امنیت دقیقا برای مقابله با چنین بحران‌هایی ایجاد شده است. حمله نظامی به تأسیسات تحت پادمان نه‌تنها خطر جنگ منطقه‌ای را به همراه دارد، بلکه رژیم جهانی منع اشاعه را تضعیف کرده و بازارهای انرژی را بی‌ثبات می‌کند. اگر این شورا واکنشی نشان ندهد، پیام خطرناکی به کشورهای کوچک‌تر ارسال می‌شود: تعهدات حقوقی نمی‌توانند آنان را از زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ مصون دارند. این نظم جهانی پایدار و عادلانه‌ای نیست، بلکه نظمی است مبتنی بر زور، نه قانون.

لحظه‌ای برای روشنگری اخلاقی

این صرفا بحران ایران نیست، بلکه لحظه‌ای تعیین‌کننده برای جامعه جهانی است. آیا از اصول برابری حاکمیت، همکاری صلح‌آمیز و خویشتن‌داری حقوقی دفاع خواهیم کرد؟ یا اجازه خواهیم داد دیپلماسی هسته‌ای، به گروگان تهدید و زور گرفته شود؟ اگر این مسیر ادامه یابد، ممکن است رژیم ان‌پی‌تی دوام نیاورد. و اگر فروبپاشد، مقصر آن کشورهای ضعیف نخواهند بود، بلکه قدرت‌هایی خواهند بود که نخست از آن در راستای مطامع خود سوءاستفاده کردند. من به‌عنوان یک شهروند جهانی از شورای حکام آژانس می‌خواهم قطع‌نامه‌ای در محکومیت هرگونه تهدید یا اقدام خشونت‌آمیز علیه تأسیسات تحت پادمان، فارغ از عامل آن، صادر کند. از شورای امنیت می‌خواهم اصول برابری و شمول در اجرای حقوق بین‌الملل را بازتأیید کند. و از دانشمندان، دیپلمات‌ها و شهروندان جهان می‌خواهم که صدای خود را بلند کنند، زیرا در چنین لحظاتی، سکوت نوعی همدستی است. در جهانی شکننده، نمی‌توان اجازه داد قانون جای خود را به زور دهد یا دیپلماسی، قربانی ترس شود.